

میلاذ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقشه‌ راهبردی انسان برای حرکت در مسیر تربیت نفس

میلاذ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقطه‌ آغاز سیر تربیتی نفس انسان

تاریخ دقیق میلاذ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مورد تردید است. شیعیان معتقدند ایشان در 17 ربیع‌الأول در شهر مکه متولد شده‌اند و اهل سنت 12 ربیع‌الأول را سال‌روز ولادت حضرت می‌دانند. مسلمانان فاصله 12 تا 17 ربیع‌الأول را برای حفظ اتحاد و هم‌بستگی بین شیعه و سنی هفته وحدت می‌نامند.

خداوند نور رسول‌الله را به دل تاریکی‌های جاهلیت عربستان تاباند، تا پیام مهمی به اهل زمین مخابره کند. او رسول‌الله را در زشت‌ترین دوران تاریخ و بین جاهل‌ترین مردم متولد کرد، تا ما به این درک برسیم، که خدا هیچ وقت از انسان نا امید نمی‌شود و انسان می‌تواند، از پایین‌ترین حد حیوانی به اوج فضائل انسانی برسد. گاهی نگاه سطحی و گذرا به بعضی مسائل خسارت محض را به دنبال دارد و انسان ناخواسته سودی هنگفت را با ضررهای فراوان تاخت می‌زند، درست مثل نوع نگاهی که ما به تولد و سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داریم. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیام‌آوری صادق از طرف خدا بودند، تا با سیر وقایع زندگی‌شان از تولد تا عروج سیر تکوین و تکامل نفس انسان را به بشر آموزش دهند، اما متأسفانه ما پیام‌های چگونگی رشد بعد الهی و کنترل ابعاد وجودی پایین‌تر را به خوبی از ایشان دریافت نکرده‌ایم. پیش از مطالعه سیره پیامبر باید از خودمان سوال کنیم که:

- هدف ما از مطالعه حیات رسول‌الله چیست؟
- شرایط و موقعیت زمان میلاذ پیامبر اکرم چگونه بود؟
- چه وقایع و حوادث تأمل‌برانگیزی در زندگی پیامبر اتفاق افتاد؟
- آیا سیر و ترتیب وقایع در زندگی ایشان معنا و مفهوم خاصی دارد؟
- محل امتحان ما در مطالعه سرگذشت نبی اکرم کجاست؟

آنچه باید بدانیم این است که تمام اتفاقات از میلاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا رحلتشان حامل پیغام و دستورالعمل‌هایی از طرف خدا و رسول‌اللهش برای ماست. خداوند در حال آموزش و تدریس شیوه رشد و تربیت بعد الهی نفس‌مان و چگونگی کنترل صحیح سایر گرایش‌ها و کشش‌ها و علایق ماست، تا همه انسان‌ها بتوانند از این شیوه‌الگو بگیرند و از نردبان سبک زندگی ایشان به مقام انسان تمام برسند.

قبل از میلاد پیامبر اکرم؛ عصر تاریکی

عربستان قبل از میلاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اوضاع اجتماعی بسیار آشفته‌ای داشت. مردم شبهه جزیره در این دوره زندگی قبیله‌ای داشتند. هرگونه غارت، خرافات و بی‌اخلاقی در این دوره وجود داشت. اغلب اوقات قبایل با یکدیگر در حال جنگ و درگیری بودند و زنده‌به‌گور کردن دختران بین آن‌ها مرسوم بود. مردم حجاز مردمی بی‌سواد بودند و دین رایج آنها بت‌پرستی بود. سبک زندگی آن‌ها با حیواناتشان تفاوت چندانی نداشت، کرامت‌ها و ارزش‌های انسانی در عصر جاهلیت گم شده بود و انسان به درجه‌ای کم‌تر از حیوان سقوط کرده بود. میلاد پیامبر اکرم در چنین شرایطی رخ داد و معبری رو به آسمان برای بشر باز شد. هم‌زمان با ولادت ایشان ایوان کسری فرو ریخت، آتش کده فارس خاموش و دریاچه ساوه خشک شد. شاید کمتر کسی متوجه شد، که رخ دادن تمامی این حوادث بشارت آمدن بت‌شکنی دیگر برای انسان‌ها هستند. بت‌شکنی بسیار بزرگ‌تر از ابراهیمی که بت‌های کعبه را تبر زد. این بار پیامبری متولد شد تا بت‌های قلب انسان را بشکند و قلب او را از پایین‌ترین درجات وجودی به بالاترین درجات الهی و انسانی برساند.

خداوند با میلاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در منطقه‌ای که رذایل، لجاجت و دنیاپرستی اوج گرفته بود، پیغام بسیار مهم و سرنوشت‌سازی به بشر مخابره کرد، که ما همواره از آن غافل بوده‌ایم؛ خدا همچون پدری مهربان مسیر عبور از آتش دنیا تا رسیدن به گلستانی در نفس و جان را به بشر نشان داد. خدا سفیری برای انسان فرستاد تا باور کند اگر مسیر عبور از نفس را تا انتها رفته باشد، می‌تواند به رسول مهربانی‌ها پیوندد و با ایشان تا بالاتر از آسمان هم برود؛ به شرط آن که پای درس‌های

میلاذ پیامبر اکرم، این منبع رحمت بنشیند و پایه‌پای این راه‌بلد مهربان معبرهای زمین و نفس و آسمان را طی کند. شرط این اتفاق بزرگ الگوگیری درست از سیره ایشان است.

پایه‌پای تکامل پیامبر از تولد تا عروج

عبدالله بن عبدالمطلب و آمنه بنت وهب که از یکتاپرستان حجاز بودند، با یک‌دیگر ازدواج کرده و پس از مدتی آمنه به وجود مقدس رسول الله باردار شد. عبدالله که برای سفری از مکه خارج شده بود، به علت بیماری در شهر یثرب از دنیا رفت. شرایط روحی آمنه سخت شد و ایشان توان شیردهی به نوزاد را نداشتند. نوزاد بنا به رسم اعراب به دایه‌ای به نام حلیمه سپرده شد، تا او را میان بادیه‌نشین‌های صحرا برده و تربیت کند. حلیمه بعد از پنج سال حضرت را به مادرشان بازگرداند. در سفری که حضرت با مادرشان به یثرب داشتند، آمنه به بیماری سختی مبتلا شد و از دنیا رفت و پدر بزرگ پیامبر سرپرست ایشان شدند؛ اما زمانی که پیامبر تنها هشت ساله بودند، عبدالمطلب از دنیا رفت. پس از فوت عبدالمطلب، ابوطالب عموی پیامبر ایشان را پناه داده و حامی‌شان شدند. پیامبر تا سن بیست‌وپنج سالگی در منزل ابوطالب زندگی کردند و پس از یک سفر تجاری مشترک با حضرت خدیجه ازدواج کردند.

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سن چهل سالگی به پیامبری مبعوث شدند. قریش که بعد از علنی شدن دعوت پیامبر از محبوبیت اسلام ترسیده بودند، انواع پیشنهادها و سوسه‌کننده مثل قدرت، ثروت و زنان زیبا را به حضرت ارائه کردند، اما این تطمیع‌ها جواب نداد و بعد از قطع امید قریش از ایشان شکنجه‌ها و آزار پیامبر آغاز شد.

بارها شنیده‌ایم هیچ پیامبری به اندازه پیامبر ما در راه خدا اذیت نشده‌اند، اما مگر ایشان چه رنجی در راه خدا تحمل کرده‌اند که از زنده اره کردن زکریا و سر بریدن یحیی سخت‌تر بوده است؟ ایشان در دوران رسالت‌شان تحت فشارهای روانی شدیدی قرار گرفتند. مشرکین ایشان را دیوانه، جادوگر، دروغ‌گو و ساحر لقب می‌دادند. در مسیر گذر ایشان بر سرشان رحم متعفن شتر

کنز العمال: 5817. روایت 6¹

می‌ریختند و وقتی در سجده بودند بر دوششان شکنجه گوسفند گذاشته و بلند می‌خندیدند. به صورت حضرت آب دهان می‌ریختند و گروه‌های کودکان را در کوچه‌ها به دنبال حضرت راه می‌انداختند و ایشان را تحقیر می‌کردند. به مرور کار به شکنجه‌های بدنی رسید و حضرت مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. حتی در سفر به طائف هم مرارت‌ها و سختی‌های بسیار زیادی برای ایشان به وجود آمد. در تمام این سال‌ها حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه دو پشتوانه محکم و یار وفادار حضرت بودند.

سه سال حصر در شعب ابی‌طالب از رنج‌های بسیار سختی بود که حضرت و اصحابشان در راه خدا تحمل کردند. دوران بسیار سخت و جان‌فرسایی که حضرت و مسلمانان در تحریم شدید مردم مکه قرار گرفتند و گرسنگی و تشنگی امانشان را بریده بود. آب و غذایی در شعب نبود و گه‌گاه مخفیانه بار شتری آذوقه به شعب می‌رسید. آورده‌اند رسول‌الله از گرسنگی سنگ به شکم می‌بستند و ناله کودکان از شعب به گوش می‌رسید.

تاریخ پیش رفت و دو تکیه‌گاه حکم رسول‌الله یعنی ابوطالب و خدیجه از دنیا رفتند و شرایط برای قریش جهت آزار شدیدتر مساعد شد. آنها تصمیم به قتل رسول‌الله گرفتند و ایشان مجبور به هجرت به مدینه شدند. هجرت از وطن تصمیم سختی است که چالش‌های فراوانی به همراه دارد، اما حضرت از این تعلق هم به خاطر خدا گذشتند و آن را با آغوش باز پذیرفتند. پس از هجرت به مدینه جدا از دغدغه‌های خاص استقرار در مکانی جدید، جنگ‌ها و حملات مکرر خارجی شروع شد. در کنار تنش‌های جنگی مداوم مثل بدر، احد و السویق، نفاق و سنگ‌اندازی‌های تمام‌نشدنی یهودیان داخلی مدینه شرایط را برای پیامبر سخت کرده بود.

در سال یازدهم هجرت مکه به دست مسلمانان فتح شد و دوران جدیدی از رنج‌های روحی رسول‌الله آغاز شد، دورانی دردناک که ماهیت بعضی اصحاب منافق بر ایشان روشن بود، اما ایشان بنا به مصلحت مجبور به سکوت و مدارا بودند. در حقیقت در مدت عمر شریف رسالت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روزی نبود، که ایشان آن روز را بدون دغدغه و تنش بگذرانند.

پیام سرگذشت رسول‌الله، برای ما

می‌لاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بهانه‌ای است، تا یک‌بار هم به پیام سرگذشت رسول‌الله برای پیمودن مسیر رشد فردی‌مان بیندیشیم. شاید بعد از سال‌ها که این ماجرا را به عنوان داستان پیش از خواب می‌خوانیم تا بخوابیم، این بار بخوانیم تا بیدار شویم.

وقایع می‌لاد پیامبر اکرم تا رحلت رسول‌الله همان دومینوی دقیق و مهندسی‌شده‌ای است، که نقشه‌ راه ما را برای پیمودن درست مسیر پر پیچ‌وخم زندگی مشخص می‌کند. رسول‌الله متولد شدند تا راه و رسم مواجهه‌ درست با حوادث و امتحانات را برای رسیدن به بالاترین کمالات انسانی به ما بیاموزند، تا ما یاد بگیریم و بپذیریم که هر کدام از اتفاق‌های تلخ و شیرین چه تأثیر سرنوشت‌سازی بر رشد بعد انسانی ما خواهند داشت.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هم مثل دیگر انسان‌ها ویژگی‌ها، نیازها، علایق، گرایش‌ها و تمایلات مختلفی داشتند، ایشان هم مثل سایر انسان‌ها اشتراکاتی وجودی با اجسام، گیاهان، حیوانات و فرشته‌ها داشتند، اما آن‌چه رسول‌الله را به انسان کامل تبدیل کرده، رشد و عظمت بی‌اندازه بعد الهی ایشان است. ایشان از 17 ربیع (می‌لاد پیامبر اکرم) تا 28 صفر سال یازده هجری (زمان رحلت ایشان) مسیری بسیار سخت را در رشد انسانی پیمودند و نفس ایشان به قدر غیر قابل وصفی وسعت پیدا کرد. اگرچه مصائب و رنج‌های حضرت در راه خدا ظاهری دردناک و تلخ دارند، اما تمام آن‌ها جزئی از مسیر تربیت و رشد بعد الهی و انسانی حضرت بود که خدا برای پرورش ایشان ترسیم کرده بود. مرگ عزیزترین نزدیکان و از دست دادن محکم‌ترین پشتوانه‌ها همان برنامه دقیق خدا برای بریدن رسول‌الله از تعلقات دنیایی است. باید بدانیم که نه تنها رسول‌الله بلکه تمام کسانی که مشتاق حضرت و علاقمند به سلوک انسانی هستند، قطعاً در این مسیر چالش‌برانگیز قرار خواهند گرفت.

هجرت‌های چندباره رسول‌الله حامل پیغام بزرگی برای بشر است، حضرت به ما آموختند تا زمانی که از وابستگی‌های کم‌اهمیت و عادات زمین‌گیرمان هجرت نکنیم، نمی‌توانیم از مرداب روزمرگی‌های بی‌ثمر رها شویم و رشد کنیم، ما باید با حرکت و پویایی از رکود بعد جسمانی خلاص شویم و به کمالات روحانی برسیم.

رسول‌الله از تمام تهدیدهایی که نفس افراد معمولی را تهدید می‌کند، فرصت ساختند. ایشان با هربار صبر و سکوت در مقابل تمسخرها و تهمت‌ها، تکه‌ای از بت‌های درون و خوی وحشی حیوانی را از خود دور می‌کردند و قطعه‌ای شریف از انسانیت در جان‌شان می‌ساختند.

در تمام لحظاتی که تحمل رنج گرسنگی، تشنگی و فقر در راه خدا را به جان می‌خریدند، پیغامی مهم برای ما می‌فرستادند؛ ارزش انسان هم‌اندازه با گیاهی که صرفاً تغذیه و رشد می‌کند نیست، قیمت انسان به میزان تلاش او برای شباهت به صفات خداست، رسیدن به این سنخیت آسان نیست و رنج‌های بسیاری می‌طلبد.

دید سطحی‌نگر اغلب ما باعث شده کمتر به هدف جنگ‌ها و رزم‌های رسول‌الله فکر کنیم و از آنها فقط اسم و اطلاعات بدانیم. آیا تا کنون به هدف این جنگ‌ها اندیشیده‌ایم؟ احتمالاً بلافاصله علت را حفظ دین و جهاد در راه خدا عنوان کنیم، با این پاسخ سؤال دیگری مطرح می‌شود و آن این است که اصلاً حفظ دین چه کاربردی دارد، که نیازمند جهاد است؟

حفظ دین برای حفظ ارزش و قیمت حقیقی انسان است. دین راه بریدن و کنده شدن از تعلقات و رداییلی که ما را به زمین بند کرده‌اند، بیان می‌کند، دین شکل صحیح و مهندسی شده کنترل و تعدیل گرایش‌ها و کشش‌هایی که ما را صرفاً شبیه به یک گیاه یا حیوان یا حتی فرشتگان می‌کند، به ما می‌آموزد، تا بعد انسانی ما به شباهت و سنخیت بیشتری با خدا برسد.

بهترین راهبر و راه‌بلد برای این مقصد سخت و طولانی رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند، که این سیر را در نوع مواجهه ایشان با حوادث زندگی‌شان به وضوح می‌بینیم. غم‌ها، فشارها، رنج‌ها و حتی وسوسه‌ها جزئی از مسیر تربیت انسان و ابزارهایی قوی برای قطع ما از ردایل و تعلقات هستند. اگر مشتاقیم به انسان تمام شبیه شویم و به سنخیت با خدا برسیم، باید به تاریخ زندگی رسول‌الله سفر کنیم و در دل هر رخداد زندگی ایشان جایگاه خودمان را پیدا کنیم، باید رنج‌ها و مشکلات را مثل رسول‌الله با آغوش باز بپذیریم و مثل ایشان با رنج‌ها روبه‌رو شویم. به امید آن که در میلاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ما هم به لحظه تولد انسانی خود نزدیک شویم.